

نور

تا اتفاق بیفتد

باید بدانیم چه می خواهید
تا بتوانید

www.ketab.ir

سرشناسه : کلاوزر، هنریت آن Klauser, Henriette Anne

عنوان و نام پدیدآور : بنویس تا اتفاق بیفتد / هنریت آن کلاوسر؛ مترجم فهیمه فتحی؛
ویراستار الناز خجسته.

مشخصات نشر : تهران: آرایان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۲۵۵ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۸-۵۹-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : عنوان اصلی:

Write it down, make it happen: knowing what you want—and getting it!, c2000

موضوع : هدف و هدف گزینی (روانشناسی). (Goal (Psychology)

موضوع : برنامه‌ریزی. Planning

شناسه افزوده : فتحی، فهیمه، ۱۳۶۶ - مترجم.

شناسه افزوده : خجسته، الناز، ۱۳۶۶ - ویراستار.

رده بندی کنگره : الف ۱۳۹۶ ک ۸ / ه ۴ / ۵۰۵ BF

رده بندی ی. ۷ : ۱۵۸/۱

شمه / کتابشناسی : علی : ۴۸۷۸۱۳۲



نام کتاب	بنویس تا اتفاق بیفتد
نویسنده	هنریت آن کلاوسر
مترجم	فهیمه فتحی
ویراستار	الناز خجسته
ناظر چاپ	علی غلامی
نوبت چاپ	اول، ۱۳۹۷
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۱۸۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۸-۵۹-۴

تهران: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۶، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۱۳۴۴ - ۶۶۴۰۰۲۳۵

پست الکترونیکی: info@arayanbook.com سایت: www.arayanbook.com

« حق چاپ و نشر مجدد این اثر (یا بخشی از آن) برای انتشارات آرایان محفوظ است. »

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه.....
۱۱	آرزوهای بزرگی در سر پیچید، ببید: برا حتماً برآورده می شود.....
۱۳	داستان زندگی مشاهیر.....
۱۶	من چه کسی هستم که این م ۱۱۱ را م گو ۹.....
۱۷	این داستان ها را چگونه گردآوری کرده ام.....
۱۹	چگونه روش های این کتاب را در زندگی مان اجرا کنیم؟.....
۱۹	مهم ترین عامل برای تحقق اهداف، ایمان به محتوای آن است.....
۲۳	فهرست مسایل و مشکلات.....
۲۵	فصل اول: رؤیاهایتان را بنویسید تا برآورده شوند.....
۲۷	آرزوهایتان را برآورده کنید: گوش به زنگ علایم و نشانه ها باش.....
۳۰	از مغزتان کمک بگیرید.....
۳۲	تمیز کردن نارگیل ها.....
۳۴	یافتن یک بازاریاب حرفه ای.....
۳۷	فصل دوم: بدانید چه می خواهید: هدف گذاری.....
۳۷	داستان مارک.....
۳۸	پشت صحنه نمایش.....
۴۲	امر عادی.....
۴۳	انعقاد قرارداد کاری.....

معکوس نویسی.....	۴۵
ارتباط با خدا.....	۴۷
حالا دست به کار شوید!.....	۴۸
فصل سوم: با جمع آوری آرا و نظرات، برای مغزتان صندوق پیشنهاد بسازید!	
یادداشت‌های جالب و کوتاه.....	۵۴
عوض کردن صحبت.....	۵۶
تمجیدهای دیگران را جمع کنید، زیرا به کارتان می‌آید.....	۵۸
پرک دن جاهای خالی.....	۶۰
حالا شما دست به کار شوید!.....	۶۴
فصل چهارم: ۶۰ ثان را برای رسیدن به اهدافتان آماده کنید.....	
داستر گایا.....	۶۷
نامه‌نگاری: چگونه شروع شد؟.....	۶۹
تجسم آرزوها.....	۷۰
آن چه به کارتان نمی‌آید، دور بریزید.....	۷۲
آرزوی روز تولد.....	۷۵
کامل و بی نقص بودن.....	۷۶
آیا ازدواج من با ازدواج ناموفق بقیهٔ وستانم متفاوت خواهد بود؟.....	۷۸
تجسم قرار ملاقات.....	۸۰
حالا شما دست به کار شوید!.....	۸۲
فصل پنجم: نوشتن ترس‌ها و احساسات درونی.....	
داستان یانین.....	۸۶
زندگی ما نتیجهٔ تصمیمات ماست.....	۸۸
پارکینگ نگرانی‌ها.....	۸۹
با نوشتن ترس‌ها، آن‌ها را از خود دور کنید.....	۹۱
تصویر بزرگ.....	۹۱
سفر به خیر.....	۹۳
تأثیر لگویی.....	۹۳
چرا باید ترس‌هایمان را بنویسیم؟.....	۹۵
چرا نوشتن این قدر مهم است؟.....	۹۶
حالا شما دست به کار شوید!.....	۹۷

فصل ششم: یکسره نویسی، راهی برای رسیدن به راه حل.....	۹۹
تا می توانید غرغر کنید!.....	۱۰۱
ماجرای نان.....	۱۰۲
راه حل.....	۱۰۵
حالا شما دست به کار شوید!.....	۱۰۷
فصل هفتم: فقط کافیست آرزوهایتان را فهرست کنید.....	۱۰۹
ماجرای سیدنی.....	۱۰۹
چرا هیئت فهرست اهداف، مؤثر است؟.....	۱۱۴
حالا شما دست به کار شوید!.....	۱۱۶
فصل هشتم: مرکز، نتیجه.....	۱۱۷
یادتان نرود چه می خواهد.....	۱۱۸
حرکت کردن قرص.....	۱۲۱
پرده برداشتن از «چرا» و «چه».....	۱۲۴
حالا شما دست به کار شوید!.....	۱۲۶
فصل نهم: محیط پیرامونتان را تغییر دهید: نگاه، نوشتن، نزدیک آب بنشینید.....	۱۲۷
حس فوق العاده مؤثر شوخ طبعی.....	۱۳۰
محیطی را ایجاد کنید که خلاقیتتان بر آن شکست بخورد.....	۱۳۱
حالا شما دست به کار شوید!.....	۱۳۳
فصل دهم: وقایع زندگی روزمرهتان را بنویسید.....	۱۳۵
ماجرای رون.....	۱۳۶
اهداف روزمرهتان را بنویسید.....	۱۳۷
جمع آوری سخنان حکمت آمیز.....	۱۳۸
از خانه بیرون بروید و وارد اجتماع شوید.....	۱۴۱
حذف برخی موارد از فهرست اهداف.....	۱۴۳
چه تفاوتی میان نوشتن اهداف و بیان کردنشان وجود دارد؟.....	۱۴۴
تغذیه ذهن درونی.....	۱۴۵
حالا شما دست به کار شوید!.....	۱۴۵
فصل یازدهم: پای بندی به تعهد.....	۱۴۷
ماجرای بیل.....	۱۴۸

۱۵۰	رؤیاهایتان را بنویسید.....
۱۵۱	درهایی که به‌روی او گشوده شد.....
۱۵۲	گردهمایی و تجدید دیدار.....
۱۵۳	چرا باید بنویسیم؟.....
۱۵۴	عمل به تعهد.....
۱۵۴	حالا شما دست‌به‌کار شوید!.....
۱۵۷	فصل دوازدهم: مدام هدف تراشی کنید تا بتوانید موانع را بردارید.....
۱۵۷	ماجرای بازی بیس‌بال مارک.....
۱۵۹	برزه با محدودیت‌های کورکورانه دوران کودکی.....
۱۶۱	سرایت مثبت.....
۱۶۲	نماد، زی.....
۱۶۴	فرستار ساز به ماه.....
۱۶۵	حالا شما دست‌به‌کار شوید!.....
	فصل سیزدهم: گروه از «ر» هدفمند تشکیل دهید: اهداف و زمان تحقق
۱۶۷	آن‌ها را تعیین کنید.....
۱۶۸	گروه سیمور.....
۱۶۹	راز گروه سیمور.....
۱۶۹	برآورده‌سازی آرزوها.....
۱۷۰	هدفم چیست؟ چه زمانی آن را محقق می‌کنم؟.....
۱۷۲	چشم‌تان به خود دانات‌ها باشد.....
۱۷۳	پروبال دادن به چالش‌ها.....
۱۷۴	ما برمی‌گردیم.....
۱۷۵	باید برای رسیدن به هدف، وقت کافی گذاشت.....
۱۷۷	حالا شما دست‌به‌کار شوید!.....
۱۷۹	فصل چهاردهم: خودتان آستین بالا بزنید.....
۱۸۰	ماجرای ماریان.....
۱۸۲	به‌دنبال مکانی برای مراقبت از سالمندان.....
۱۸۴	یک اشاره.....
۱۸۶	نگهداری از گنجینه‌های ملی.....
۱۸۸	می‌دانم که این همه سختی، ارزشش را داشت.....
۱۹۰	نوشتن اهداف، چرخ زندگی‌تان را می‌چرخاند.....

پیشگویی.....	۱۹۱
حالا شما دست به کار شوید!	۱۹۲
فصل پانزدهم: نامه نویسی به خداوند.....	۱۹۳
اجازه دهید قلمتان جوابتان را بدهد.....	۱۹۵
آیا این ضمیر ناخودآگاهتان است که جوابتان را می دهد؟.....	۱۹۶
پاسختان را غیرمستقیم می گیرید.....	۱۹۸
سپاسگزاری و ستایش.....	۲۰۱
پیشاپیش از تو سپاسگزارم. من همیشه قدردانت خواهم بود.....	۲۰۲
دیوای عا.....	۲۰۶
حالا شما دست به کار شوید!	۲۰۷
فصل شانزدهم: متعلی مانع تراشی ها و بهانه جویی های بیهوده تان	
را بیابید.....	۲۰۹
ماجرای ترین.....	۲۱۰
یافتن علت اصلی مشکل.....	۲۱۳
حالا شما دست به کار شوید!	۲۱۶
فصل هفدهم: برای برآورده شدن آرزوهایتان، یک مراسم رسمی برگزار کنید	۲۱۷
ماجرای الین.....	۲۱۷
مراسم هدف نویسی روی تیر.....	۲۱۸
نحوه برگزاری این مراسم در کالیفرنیا جنوبی.....	۲۲۰
اگر آرزوهایتان برایتان مهم است، در فکر برآورده کردنش باشید.....	۲۲۲
موفقیت بزرگ.....	۲۲۲
مهم ترین عامل، نیت و انگیزه است.....	۲۲۶
حالا شما دست به کار شوید!	۲۲۸
فصل هجدهم: آنچه لازم ندارید را رها کنید تا زندگی تان متعادل شود	۲۲۹
به سطح عمیق تر رسیدن.....	۲۳۲
حالا شما دست به کار شوید!	۲۳۳
فصل نوزدهم: سپاسگزاری.....	۲۳۵
قدردانی آگاهانه.....	۲۳۵
قدردان نعمتهایی که داری باش!	۲۳۶

- ۲۳۷ پرداخت صورت حساب همراه با تشکر و قدردانی
- ۲۳۸ جهان را جای لذت بخش تری برای زندگی کنید
- ۲۴۰ حالا شما دست به کار شوید!
- ۲۴۳ فصل بیستم: مهار شکست ها
- ۲۴۵ برای دستیابی به هدفان روش های دیگری را امتحان کنید
- ۲۴۵ نقاط قوت ذهنتان را تغییر دهید
- ۲۴۶ حواستان باشد تعادلتان را از دست ندهید!
- ۲۴۷ ر سه بدمی طلا
- ۲۴۸ چیست؟ آخ جون!
- ۲۵۱ سخن آخر



سال‌ها پیش، تندیس یکی از مورخان و کاتبان تمدن مصر باستان را از قاهره^۱ خریدم. اکنون، تندیس این کاتب که چهارزانو نشسته است و قلم و کاغذی در دست دارد، روی شومینه^۲ داشته‌ام و هم‌چون پیشگویی با چشمان تیزبین به دوردست‌ها خیره شده است. به بیان دیگر، این تندیس، نماد موضوع کتاب پیش روی شماست.

آرزوهای بزرگی در سر پیرورانید، زیرا حتماً برآورده می‌شود
در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، مباحثی جدید (مانند موفقیت، پیروزی، تجارت
«شما می‌توانید!») مطرح شد که «علم تفکر» را به شگفتی واداشت. از جمله
این کتاب‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیندیشید و ثروتمند شوید^۲

1. Cairo

2. Think and Grow Rich

اثر ناپلئون هیل^۱، جادوی ایمان^۲ اثر کلود بریستول^۳، و همان طور که یک انسان فکر می کند^۴ اثر دیوید جی شوارتز^۵ که در دهه پنجاه چاپ شد. اگرچه این کتاب ها بیش از پنجاه سال قبل نوشته شده است و مواردی از تبعیض جنسی و زن ستیزی در آن به چشم می خورد، هنوز هم خوانندگان خود را دارد.

برای مثال، آر اچ جی^۶ جزوه کوچکی به نام همه چیز ممکن است^۷ را در سال ۱۹۲۶ نوشت که درباره قدرت جادویی مثبت اندیشی بوده و هنوز یک میلیون و هشتاد هزار نسخه از آن موجود است.

نویسنده در سحر آغازین خود به شعار مثبت اندیشان اشاره کرده است.

«اگر بدانید چه می خواهید، حتماً به آن می رسید.»

اگرچه سال ها به تحقیقات گسترده درباره مغز پرداخته ایم و اکنون درباره جسم پینه ای، سیستم دال لاس کاهان و کارکردهای ذهن انسان از دانشی نسبی برخورداریم، هنوز هم از خدایان می پرسیم که چه طور ممکن است با فکر کردن به اهداف و آرزوها، بتوان بر آوازه ها ساخت.

این کتاب براساس این اصل مدرن علمی نوشته شده است: تعیین هدف، تمرکز بر نتیجه آن و توصیف دقیق خواسته هایمان ده اهدافتان را محقق خواهد ساخت.

اصلی که در سراسر این کتاب ها به چشم می خورد، این است نخستین

-
1. Napoleon Hill
 2. *Magic of Believing*
 3. Claud M. Bristol
 4. *As a Man Think*
 5. David J. Schwartz
 6. RHJ
 7. *It Works*

گام در برآورده ساختن آرزوها، نوشتن آن‌هاست.

داستان زندگی مشاهیر

من به داستان زندگی افرادی گوش سپرده‌ام که همگی پیش از برآورده شدن آرزوهایشان، آن‌ها را می‌نوشته‌اند.

وقتی جیم کری^۱ وارد هالیوود هیلز^۲ شد، یک چک رویایی ده‌میلیون دلاری برای خودش کشید و زیر آن نوشت: «به پاس خدمات شما!» او این چک را سال‌ها نزد خود نگه داشت تا این که روزی همین مبلغ را به‌خاطر ایفای نقش در فیلم گرفت. سرانجام هم به هنرمندی با بالاترین دستمزد (مثلاً بیست‌میلیون دلار) بدیدار شد. جیم کری، پیش از دفن پدرش، این چک رویایی را داخل جیب ژاکت برگذاشت.

اسکات آدامز^۳، خالق داستان مسور دی‌برت^۴، هم رؤیاهایش را می‌نوشت و پس از مدتی نیز تک‌تکشان محقق می‌شد. او معتقد است اگر هدف‌تان را بنویسید، «توجه‌تان فقط به چیزهایی معطوف می‌شود که آن‌ها را محقق می‌سازد.»

آدامز، یک کارگر فنی معمولی در یک شرکت آمریکایی بود که در اوقات فراغت خود، مدام پشت میز می‌نشست و بی‌هدف نقاشی می‌کرد. پس از مدتی نیز تصمیم گرفت روزی پانزده بار بنویسد: «من روزی یک کاریکاتور است مشهور می‌شوم.»

-
1. Jim Carry
 2. Hollywood Hills
 3. Scott Adams
 4. Dilbert

البته افراد زیادی طرح‌هایش را نپذیرفتند؛ ولی او دست از تلاش برنداشت و سرانجام نیز به هدفش رسید و قرار شد برای یک روزنامه کاریکاتور بکشد؛ سپس تصمیم گرفت هر روز این جمله را بنویسد: «من روزی بهترین کاریکاتوریست کره زمین می‌شوم».

چگونه می‌توان فهمید که او به این هدف رسیده است یا نه؟
خب، داستان مصور دیلبرت در دوهزار روزنامه در سراسر جهان چاپ می‌شود و وبسایت وی هر روز صدهزار بازدیدکننده دارد. یک‌میلیون و سیصد هزار نسخه از اولین کتاب آدامز به نام اصل دیلبرت^۱ به فروش رفت. کاریکاتور دیلبرت روزی محصولات مشابهی مانند صفحه زیر موس، فنجان قهوه و تقویم‌های رومیزی چاپ شده و این محصولات طرفداران بسیاری پیدا کرده است. علاوه بر این، سه هفته بعد، برنامه تلویزیونی هم اجرا می‌کند.
حالا او روزی پانزده مرتبه می‌نویسد «من روزی برنده جایزه پولیتزر^۲ خواهم شد».

در ادامه به ماجرای موفقیت‌های بی‌پایان سوز ارمان^۳، نابغه امور مالی و سرمایه‌گذاری، نویسنده پرفروش‌ترین کتاب نیویورک تایمز^۴ به نام نه گام برای رسیدن به استقلال مالی^۵ و مهمان ویژه برنامه اپرا^۶ نیز اشاره خواهم کرد. در ابتدا، او پیش خدمت رستوران بود و هر ماه چهارصد دلار دستمزد می‌گرفت؛ سپس در مریل لینچ^۷ مشغول به کار شد؛ ولی همیشه می‌ترسید

-
1. The Dilbert principle
 2. Pulitzer Prize
 3. Suze Orman
 4. New York Times
 5. *The 9 Steps to Financial Freedom*
 6. Oprah
 7. Merrill Lynch

که نتواند سهم تعیین شده‌اش را بفروشد.

سوز آرمان در مصاحبه‌ای گفت: «در گام اول، آن‌چه را می‌خواستم، روی کاغذ نوشتم. به عبارتی، هر روز صبح پیش از رفتن به سر کار، این جمله را چند بار می‌نوشتm: "من جوان، قدرتمند و موفقم. پس می‌توانم ماهی ده‌هزار دلار فروش داشته باشم."»

پس از مدتی، فروش او از این رقم هم بالاتر رفت. با وجود این، باز هم این جمله جادویی را می‌نوشت. او می‌گوید: «من به‌جای این‌که به خود بگویم می‌ترسم و نمی‌توانم، هر روز می‌گفتم که من می‌توانم از پس هر کاری بریایم.»

او توانست از طریق نوشتن رزوهایش را برآورده کند.

من این روش را از پسر ده‌هزار ساله‌ام پیتر آموختم. روزی، او با تعجب نزد من آمد، کاغذی را نشانم داد و گفت: «این فهرست را دو سال پیش نوشتم؛ ولی گم کردم. الان، آن را هنگام تمیز کردن اتاق آن را پیدا کردم. باورم نمی‌شود که هرچه روی این کاغذ نوشته‌ام، برآورده شده است!»

برای مثال، از جمله اهداف او رفتن به کلاس کار، شب را در پارک خوابیدن و خریدن پرنده بود که همه آن‌ها را کاملاً ناآشنا به محقق کرده بود. این تجربه پیتر، مرا به یاد تجربیات مشابهی انداخت که در زندگی‌ام داشتم. به عبارتی، من به‌یاد همان هفته جادویی زندگی‌ام افتادم که در آن همه آرزوهایم، یعنی امضای کتابم با عنوان برادوی در نیویورک^۱ برای خوانندگان، بازدید از پشت صحنه اپرای متروپولیتن^۲، مصاحبه مهم رادیویی،

1. *Broadway in New York*

2. *Metropolitan Opera*

حضور در اپرای پلاسیدو دومینگو^۱ برآورده شد؛ سپس وقتی به منزل برگشتم، تازه فهرست اهدافم را از لابه‌لای وسایل قدیمی پیدا کردم.

من ماجرای فهرست اهداف پیترو خودم را در فصلی از کتاب از صمیم قلب بنویسید^۲ تعریف کرده‌ام. در یکی دیگر از فصل‌های این کتاب با عنوان «رمز موفقیت جو پابرهنه»^۳، نقل قولی از کتاب مزرعه رؤیاها^۴ را ذکر کرده‌ام: «آرزو بایی بسازی، حتماً به واقعیت خواهد پیوست.» شما باید باور و ایمان قلبی داشته باشید که روزی همه آرزوهایتان برآورده خواهد شد.

من در هنگام نگارش این دو فصل به این فکر افتادم که درباره قدرت جادویی هدف‌نویسی، کمی بیشتر تحقیق کنم و حاصل این پژوهش نیز همین کتاب شد.

من چه کسی هستم و این مطالب را می‌گویم؟

اجازه بدهید خودم را معرفی کنم.

من مدرک دکترای ادبیات انگلیسی دارم. در دانشگاه‌های نیویورک لوس‌آنجلس، سیاتل و لث‌بریج، کانادا و آلبرتا درس می‌دادم. نخستین کتابم با عنوان نوشتن روی هر دو نیمکره مغز^۵ درباره کار کردن هر دو نیمکره مغز و روش نوشتن نگرانی‌هاست. این کتاب، روش یکسره‌نویسی بدون توجه به احساسات را معرفی می‌کند و به شما می‌آموزد که چگونه اهداف از پیش تعیین‌شده را بدون فکر و توجه به غرغره‌های منتقد درونی‌تان بنویسید.

-
1. Placido Domingo
 2. Put your Heart on Paper
 3. The Shoeless Joe Principle
 4. Field of Dreams
 5. Writing on Both sides of the Brain

پانزده سال است که من کارگاه‌های آموزشی و سخنرانی‌های داخلی و خارجی برگزار می‌کنم و تجربیات حاصل از آن‌ها را در کتاب *از صمیم قلب* بنویسید ثبت کرده‌ام. عده‌ای که اصول این کتاب را در زندگی شخصی‌شان به کار بردند، به من گفتند: «این کتاب دربارهٔ هنر زندگی کردن است؛ نه هنر نوشتن.» در ضمن، به شما می‌آموزد که چگونه هنگام دوری از دوستان و اقوام، بطة صمیمانهٔ خود را با آن‌ها از طریق نامه‌نگاری حفظ کنید و در ادامه، مواردی که در موضوعات این کتاب را توضیح می‌دهد:

۱. یکسر ویسی رای رسیدن به راه حل (فصل ششم)؛

۲. تأثیر نودن بر جور، فکر کردن (فصل دوم).

این داستان‌ها را چگونه گردآوری کرده‌ام؟

وقتی تصمیم به نگارش این کتاب گرفتم، داستان‌ها و ماجراهای آن، خودشان به سراغ من آمدند. البته، خوانندگان هم به این نتیجه می‌رسند که اگر هدفی داشته باشند، عالم و آدم به آن‌ها کمک می‌کند تا به هدفشان برسند. این کتاب دربارهٔ پیشامدهای عجیب است. پس، به مالک آن هم باید کاملاً تصادفی گردآوری شده باشد.

من فقط صدای افرادی را ضبط می‌کردم که ماجرای زندگی‌شان را برای من تعریف می‌کردند و حتی مشخصات نه نفر از آن‌ها را، اصلاً نمی‌دانستم. یکی از این افراد، الن سنت جیمز^۱، نویسندهٔ کتاب‌های پرفروش، بود. او خودش برای کاری با من تماس گرفت. پس از صحبت با او، من آن قدر هیجان‌زده شده بودم که حتی نمی‌توانستم بنشینم. به راستی، من چرا این

همه هیجان زده شده بودم؟ نخستین دلیل، شخصیت شاد، پرانرژی و شوخ طبع الن بود که مرا مجذوب خود کرد. او توانسته بود آرزوهای غیرممکنش را برآورده کند. در ضمن، ماجرایش آن قدر مهم و تأثیرگذار بود که آن را بی درنگ در فصل هفدهم و هجدهم این کتاب نوشتم. هفته گذشته، من اصلاً فکرش را هم نمی کردم که تا هفته بعد، این همه ماجرا و داستان برای نوشتن داشته باشم.

نکته عجیب، این بود که همه مطالب این کتاب، خودبه خود کنار هم قرار گرفت.

من تمام مطالب این کتاب را در کافی شاپ های سیاتل نوشتم، زیرا معتقدم زندگی در آن جایان دارد.

البته، گاهی هنگام جمع آوری داستان ها و مطالب کتاب، احساس می کردم جای مطلب یا ماجرای خاصی خالی است و بعد آن را می نوشتم. برای مثال، یک روز صبح نوشتم:

من به ماجرای نیازی دارم که در روستای آمریکا اتفاق افتاده

باشد تا خوانندگان مطمئن شوند روستای این کتاب برای هر

کس و در هر شهر یا روستایی مؤثر است

در روز بعد، ماریان از شهر ولز واقع در نوادا، می خواست به شهر آن ها کارگاه آموزشی برگزار کنم. پس از کمی صحبت، او ماجرای باورنکردنی درباره یکی از آرزوهایش را برایم تعریف کرد و من هم این ماجرا را در فصلی از همین کتاب نوشتم.